

بررسی جایگاه و خدمات میرزا یوسف خان اعتصام الملک (اعتصامی)

به دو ادب فارسی و عربی

ناصر محسنی نیا^۱

دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

رضا میرزایی

دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

(۱۹۳-۲۱۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۳/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۱۸

چکیده

میرزا یوسف خان اعتصامی مشهور به اعتصام الملک از نویسندگان و مترجمان نامور ایرانی عهد قاجار است. وی تمامی حیات ادبی خود را وقف ترجمه و توسعه دانش‌های ادبی نموده است. ترجمه‌های اعتصامی از ادبیات مغرب و ادبیات عربی باعث آشنایی ایرانیان با بخشی از ادبیات اروپا و عرب معاصر شد. «فلاند الأدب فی شرح أطواق الذهب» در شرح «أطواق الذهب» جارالله زمخشری که بارها در مصر تجدید چاپ شده و مورد توجه ادیبان و فاضلان جهان عرب بویژه مصریان واقع گردیده است و همچنین ترجمه «تحریر المرأة» قاسم امین مصری با عنوان فارسی «تربیت نسوان» از جمله خدمات ادبی یوسف اعتصامی به حساب می‌آید. بررسی این خدمات و فعالیتها موجب آشنایی مردم فرهنگ دوست ایران زمین با ادب، فرهنگ و دیگر توانمندی‌های یوسف اعتصام الملک می‌شود. کاری که نویسندگان این مقاله آن را وجهه همت خود ساخته‌اند. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

واژه‌های کلیدی: یوسف اعتصامی، ادبیات فارسی، زبان عربی، ترجمه، آثار و خدمات

۱. پست الکترونیک نویسنده مسؤل: n_mohseninia@yahoo.com

۱- مقدمه

یوسف اعتصام الملک (۱۲۵۳-۱۳۱۶) از بزرگان ادب و فرهنگ ایران در دوره معاصر است. وی از جمله کسانی است که در عرصه ادب و فرهنگ فارسی زحمات فراوانی کشیده است. ولی متأسفانه اهمیت آثار و اقدامات او مغفول مانده است. شاید یکی از دلایل آن، دختر نابغه وی، پروین اعتصامی بوده است. اما در جهان عرب، اعتصام الملک به دلیل آثاری که به زبان عربی ترجمه و تألیف نموده است، شهرت فراوانی دارد. تألیف این کتابها باعث شد، مطابع بولاق برای گرفتن حق چاپ آثار وی از هم پیشی بگیرند. (اعتصامی، ۱۳۲۱، ج ۱، مقدمه: ب) اعتصامی جزو اولین گروه مترجمانی است که آثار ادیبان بزرگ غرب نظیر شکسپیر، گوته، شیلر و هوگو را به فارسی ترجمه کرده‌اند. در کنار این کارها، فعالیت‌های ژورنالیستی وی نیز از جایگاه و درجه والایی برخوردار است. مجله بهار، زینت مجلات ایرانی است که او آن را منتشر می‌کرد. مجله‌ای که بسیار مورد توجه ادیبان زمان قرار گرفت و بزرگانی چون علامه علی اکبر دهخدا در آن قلم زدند و ملک الشعرای بهار، نام مجله خود را وام‌دار مجله وی دانسته است. (آرین پور، ۱۳۵۷، ص ۱۱۴) بررسی خدمات و فعالیت‌های یوسف اعتصامی به ادبیات فارسی و در کنار آن فعالیت‌ها، آثاری که وی به عربی نگاشته و یا به فارسی برگردانده، موضوع این مقاله است.

۲- پیشینه تحقیق

توجه پژوهشگران معاصر به کارهای اعتصامی بیشتر از جنبه تاریخی بوده است؛ و تا کنون اثر مستقلی که بیانگر احوالات، آثار قلمی و جایگاه اعتصامی در ادبیات معاصر ایران و عرب باشد، به رشته تحریر در نیامده است. ما تنها در کتاب‌هایی چون، «از صبا تا نیما» اثر یحیی آرین پور، کتاب «رجال آذربایجان در عصر مشروطیت» تألیف مهدی مجتهدی و «مشاهیر آذربایجان» تألیف صمد سرداری نیا، می‌توانیم توضیحات و اشاراتی درباره یوسف اعتصام الملک مشاهده نماییم. اما در مورد مقالات، باید گفت که تا کنون مقاله ای علمی- پژوهشی پیرامون یوسف اعتصامی تحت عنوان فوق نوشته

نشده است. شاید به توان گفت؛ بهترین و مفیدترین نوشته درباره اعتصامی، مقدمه ای است که علامه علی اکبر دهخدا در مجله بهار، تحریر نموده است و مربوط به بعد از فوت اعتصامی است. در این مقاله، سعی شده از تمامی منابع و کتاب‌هایی که نویسندگان معاصر، در آنها به اعتصامی توجه نموده‌اند، استفاده شود تا با تحلیل منابع یاد شده، بتوانیم گوشه ای از جایگاه واقعی اعتصامی را به ادب دوستان، نشان دهیم.

۳- مختصری درباره زندگی یوسف اعتصامی (اعتصام الملک)

میرزا یوسف خان اعتصام الملک ملقب به یوسف اعتصامی، نویسنده، مترجم، ادیب توانا و نامور ایرانی در سال ۱۲۵۳ش (۱۲۹۳ق) در تبریز متولد شد. وی جزو اولین مترجمان عهد قاجار است. پدر وی میرزا ابراهیم خان مستوفی اصلاً از مردم آشتیان بود، (اعتصامی، ۱۳۲۱، ج ۱، مقدمه: الف؛ عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۸۹) در جوانی با سمت استیفای آذربایجان به تبریز رفت و تا پایان عمر در آنجا ماند. (اعتصامی، ۱۳۲۱، ج ۱، مقدمه: ج) یوسف اعتصامی در تبریز نزد پدر به تحصیل علم و ادب پرداخت و ادبیات فارسی و عربی و بخشی از فقه و اصول و حکمت قدیم را فرا گرفت و اطلاعات جدیدی را کسب نمود. (آرین پور، ۱۳۵۷، ص ۱۱۳) در خوشنویسی خطوط چهارگانه نستعلیق، نسخ، شکسته و سیاق از بسیاری از استادان ماهرتر بود و در زبان فرانسه و ترکی زحمت فراوان کشید و در ادبیات عربی به مرتبتی رسید که نظیر او در ایران و عراق بسیار کم بود. (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۸۹) مرحوم دهخدا در مقدمه بهار در مورد وی اینگونه می‌گوید: «عهد صبا را در مهد تربیت پدر والاگهر و معلمان منتخب به تحصیل مقدمات پرداخت و پس از بلوغ سن رشد و تمیز، با شوق غریزی و سوق طبیعی بی عدیل خویش به تتمیم فضایل و تکمیل علوم و آداب ادامه داد و تا گریاس مرگ، طرب طلب و شور دریافت در او دائم و یکسان ماند». (اعتصامی، ۱۳۲۱، ج ۱، مقدمه: ج) در دوران جوانی و در بجهوه میل ترقی خواهانه مردم ایران با صرفه جویی در خرج جیبی که از پدر می‌گرفت، چاپخانه حروفی به تبریز آورد و به این ترتیب، مشکلات نویسندگان صاحبان جراید و کتب را که تا آن روز با چاپ سنگی سروکار داشتند، آسان نمود.

یوسف اعتصامی چند صباحی را در تبریز زندگی کرد. وی در این مدت به ترجمه و تحریر تعدادی مقاله و کتاب پرداخت. اعتصامی در زمان کودکی پروین و پس از فرمان مشروطیت، عازم تهران شد و خدمات علمی و ادبی خود را در تهران دنبال نمود. ثمره حضور او در تهران، ترجمه تعداد قابل توجهی از آثار نویسندگان مشهور مغرب زمین و انتشار مجله بهار و نمایندگی در مجلس شورای ملی شد. همچنین خانه اعتصامی در تهران محفل ادیبان و علمای آن دوره گردید.

اعتصامی در اواخر عمر به ریاست کتابخانه مجلس و عضویت کمیسیون معارف در آمد. وی یکی از بزرگترین خدماتش را که فهرست نویسی بر کتابهای کتابخانه مجلس شورای ملی بود، انجام داد. اعتصامی سرانجام در شب یکشنبه ۱۲ دی ماه ۱۳۱۶ شمسی در تهران، دعوت حق را لبیک گفت. (اعتصامی، ۱۳۲۱، ج ۱، مقدمه: و) آرامگاه وی در جوار صحن حضرت معصومه (س) است.

۴- آثار یوسف اعتصامی

یوسف اعتصامی از مترجمان صاحب سبک عهد قاجار است. از این رو، بیشتر آثار وی کتابها و قطعاتی است که او به فارسی ترجمه نموده است. افزون بر کارهای ترجمه، شرح و مقدمه نویسی بر آثار دیگر نویسندگان را می توان به مجموعه آثار وی اضافه کرد. یوسف اعتصامی بیش از ۴۰ جلد از آثار نویسندگان و ادیبان اروپا را به زبان فارسی ترجمه کرده است که بعضی از آنها به زیور طبع آراسته شده اند. (مجتهدی، بی تا، ص ۳) آثار اعتصامی را می توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش اول آثار ترجمه ای و بخش دوم شامل آثار تألیفی وی است.

۴-۱- ترجمه آثار عربی

این بخش از آثار اعتصامی مربوط به بخش اول حیات ادبی وی و شامل ترجمه دو کتاب است. نخست کتاب «المرأة الصابرة» یا «ثورة الهند» تعریب اثری مشهور به «خانم انگلیسی» و دوم کتاب «تربیت نسوان»، ترجمه کتاب «تحریر المرأة» اثر مشهور قاسم امین مصری است.

۴-۲- ترجمه آثار غربی

۱- ترجمه حال تولستوی. ۲- خدعه و عشق: اثر شیلر، شاعر آلمانی که از روی ترجمه فرانسه آن به قلم الکساندر دوما با عبارتی سلیس و روان به فارسی نقل و در سال ۱۳۲۵ق در مطبعه فاروس تهران چاپ شده است. (آرین پور، ۱۳۵۵، ص ۱۱۳). ۳- سفینه غواصه: ترجمه کتابی است از ژوول ورن (این اثر ژوول ورن، بعدها با عنوان «بیست هزار فرسنگ زیر دریا» نیز ترجمه شده است) نخستین بار در سال ۱۳۲۰ق در مجله گنجینه فنون تبریز چاپ شد. (براون، ۱۳۴۱، ص ۵۰). ۴- تیره بختان: ترجمه مهم دیگر او است. جلد اول و دوم میزرا بل ویکتور هوگو است به نام تیره بختان که در این ترجمه ظاهراً از ترجمه عربی «البؤساء» یا ترجمه ترکی «سفیلر» و یا هر دو کمک گرفته است (آرین پور، ۱۳۵۵، ص ۱۱۳) و دهها ترجمه دیگر.

۴-۳- دیگر آثار اعتصامی

این بخش به آثار تألیفی (غیر ترجمه ای) اعتصامی باز می‌گردد که عبارت است از:

۱- «قلائد الأدب فی شرح أطواق الذهب»: شرح و تفسیر رساله «أطواق الذهب» زمخشری است و شامل یکصد مقاله در باب اخلاق و حکم است. اعتصامی آن را در سال ۱۳۱۸ق در «مطبعه تمدن» به چاپ رسانید. ۲- مقدمه بر چند بند در مصیبت خامس آل عبا: اصل این اثر از میرزا علی ادیب خلوت است که اعتصامی در ۱۷سالگی مقدمه‌ای بر آن نوشته و در سال ۱۳۱۱ق در تبریز چاپ شده است. (صادق پور، ۱۳۵۲، ص ۱۷) ۳- مجله بهار: نشریه‌ای بود علمی، ادبی و سیاسی که جنبه ادبی آن بر دیگر جنبه‌هایش، برتری داشت. این مجموعه در بهار سال ۱۳۲۸ق در تهران شروع به کار کرد. (آرین پور، ۱۳۵۵، ص ۱۱۲) ۴- فهرست نویسی بر کتابهای کتابخانه مجلس شورای ملی.

۵- نقش یوسف اعتصامی در ادبیات فارسی

۵-۱- ترجمه کتابها

اعتصامی را می‌توان جزو اولین گروه مترجمان ادبی دانست که توانسته بر چند زبان از قبیل فرانسه، عربی و ترکی تسلط یابد. تسلط بر این زبانها، سبب شد تا وی با ادبیات

جهان به ویژه غرب، آشنا شود. تبریز در دوران اعتصامی یکی از کانال‌های اصلی ارتباط میان ایران و عثمانی بوده است و بی شک تمامی و شاید بخش اعظم اطلاعات وی از این طریق به دست او رسیده است. چه مجلات ترکی و عربی که خود در کتاب «تربیت نسوان» اشاره کرده است و چه کتاب‌هایی که از این طریق به دست او رسیده است. اعتصامی با مطالعه این آثار، متوجه ضعف و نوعی بیگانگی مردم ایران با ادبیات جهان شده بود و این امر سبب شد بهره‌ای را که خود از مطالعه این کتاب‌ها می‌برد، به نوعی با مردم و به ویژه جامعه ادبی ایران سهیم نماید. حاصل این کار، ترجمه بیش از ۴۰ جلد از آثار غربی شد. او نخستین بار، آثار شاعران و نویسندگان معروف اروپا امثال: شکسپیر، گوته، شیلر، هوگو، میلتون، تریلو ایتالیایی، تولستوی و ماکسیم گورکی را به نسل جدید شناسانده است. (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۹۱) اهتمام وی به ترجمه این آثار و انتشار آنها چه به صورت کتاب و چه به صورت قطعات کوچک در مجله بهار، در ابتدا باعث انتقاد برخی از روشنفکران جامعه شد. وی در پاسخ به این افراد، هدف خود را از ترجمه این آثار و انتشار آن در مجله بهار، آشنایی ایرانیان با منتخبات نظم و نثر بزرگان ادبیات غرب دانسته است. (نک. اعتصامی، ۱۳۲۱، ج ۲، مقدمه؛ آرن پور، ۱۳۵۵، ص ۱۱۵)

یوسف اعتصامی، جایگاه ویژه و قابل توجهی نیز در زمینه آزادی‌های مدنی و اجتماعی علی‌الخصوص در زمینه زنان دارد؛ البته پیش از اعتصامی، شاید نخستین اشاره‌ها، در باب زن و حقوق وی در عهد قاجاری توسط بی بی خانم استرآبادی نویسنده کتاب «معایب الرجال» صورت گرفته باشد. (استرآبادی، ۱۳۱۲، ص ۶۲) ولی توجه اعتصامی با ترجمه بخش‌هایی از کتاب «**تحریر المرأة**» به این موضوع جایگاه ویژه‌ای بخشید، یعنی کار اعتصامی به همان اندازه مهم بود که کار قاسم امین در تألیف کتاب.

علاوه بر قاسم امین، افرادی چون؛ سعد زغلول و مصطفی لطفی منفلوطی هم در مصر به این موضوع یعنی آزادی زنان توجه نشان داده‌اند. (منفلوطی، ۱۹۵۶، ص ۴۶) رستگار فسائی، توجه به مسائل زنان را باعث ایجاد نوعی نثر اجتماعی جدید در جهان عرب می‌داند. (رستگار فسائی، ۱۳۸۰، ص ۸۲) و دکتر محمد جعفر یاحقی، ترجمه کتاب «**تحریر**

المراة» را گامی مهم در زمینه توجه نویسندگان و شاعران معاصر ایران به حقوق و امور مربوط به زن ارزیابی می‌کند. (یاحقی، ۱۳۸۶، ص ۲۱) وی با ترجمه کتاب تربیت نسوان شجاعت و ایمان خود را نسبت به کاری که انجام داده بود، نشان داد؛ چرا که در آن روزگار، تعصب در شهری مثل تبریز بسیار شدید بود و ترجمه این کتاب ارزشی خاص داشت.

۵-۲- پروین اعتصامی

پروین اعتصامی در محیط علم پرور تبریز و بعد در تهران در کنار پدر بزرگ شد. رمز توفیق این ارزشمند زن فرهنگ و ادب فارسی علاوه بر استعداد ذاتی، معجزه تربیت و توجه پدر او است.

اعتصامی نخستین کسی بود که اشعار پروین را در مجله بهار به چاپ رسانید. (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۴۷). یوسف اعتصامی برای آوازه و شهرت پروین فعالیتها و کارهای فراوانی انجام داد. زمانیکه برای نخستین بار دیوان پروین در سال (۱۳۴۱ ق) منتشر گردید، اعتصامی یک جلد از آن را به همراه نامه‌ای به علامه قزوینی روانه پاریس نمود تا نظر وی را از دیوان پروین جویا شود. علامه قزوینی پس از مطالعه دیوان، محتویات و مضامین اشعار را بسیار ستودند. (نک: سرداری نیا، ۱۳۷۹، ص ۹۲-۹۱) اعتصامی خود در مورد اشعار پروین گوید: «خانم پروین توانسته است با اسلوب و شخصیت و آرای فلسفی و کلمات اخلاقی خویش، از سایرین متمایز باشد». (سرداری نیا، ۱۳۷۹، ص ۹۱) با اطمینان می‌توان گفت پروین اعتصامی و شهرت او تا حد زیادی مرهون به زحمات اعتصامی است.

۶- فعالیتها و خدمات ادبی و فرهنگی یوسف اعتصامی

۶-۱- مجله بهار

در بهار سال ۱۳۲۸ق، مجموعه ادبی پرارزشی به نام بهار، قدم به عالم مطبوعات ایران نهاد و متأسفانه تاکنون آن گونه که شایسته مقام آن بوده، در تاریخ ادبیات شناخته نشده است. (آرین پور، ۱۳۵۵، ص ۱۱۲) مجله بهار، نشریه‌ای بود علمی، ادبی و سیاسی که جنبه

ادبی آن بر دیگر جنبه‌هایش برتری داشت. اکثر مقالات آن را خود اعتصامی تهیه می‌کرد. دور اول آن در دوازده شماره در اول اردیبهشت ماه ۱۲۸۹ شمسی آغاز شد و در آبان ماه ۱۲۹۰ شمسی چاپ آن متوقف شد. برخی محققان یکی از علل توقف مجله بهار را کمبود خوانندگان علاقمند و همکاری نکردن دانشمندان در مجله، ذکر کرده‌اند. (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶، ص ۱۰) امتیاز مجله در هر دو دوره، به نام اعتصامی بود و مدیریت آن را در آغاز مدیرالممالک و سپس عباس خلیلی بر عهده داشت. (صدر هاشمی، ۱۳۶۳، ص ۲۷) اعتصامی در مقاله افتتاحیه شماره یکم سال اول درباره هدف مجله می‌گوید: «مقصود از تأسیس مجموعه بهار این است که مطالب سودمند علمی، ادبی، اخلاقی، تاریخی، اقتصادی و فنون متنوعه را که امروز دانستن آنها دارای اهمیت بی‌شمار است، به طرزی نیکو و اسلوبی مرغوب به انظار ارباب دانش عرضه دارد و تعمیم معارف را که اکسیر نیک بختی و مصدر زندگانی جاوید ملل متمدنه است، برعهده گرفته، افکار عمومی را با معلومات مفیده آشنا نماید». (آرین پور، ۱۳۵۵، ص ۱۱۴) در قسمت ادبی این مجله ترجمه برخی از آثار و قطعات ادبی نویسندگان و شاعران معروف غربی نظیر «ماکسیم گورکی» به چشم می‌خورد. در بخش قطعات شعری نیز اشعار برخی از شاعران ایران نظیر «حیدرعلی کمالی»، «علی اکبردهخدا» و «سعید طائی» دیده می‌شود. در بخش مقالات اجتماعی و زنان، ما مقالات اجتماعی خانم «می زیاده» نویسنده و شاعر معاصر عرب را می‌بینیم، مانند مقاله «زن در قرن بیستم» که توسط خود اعتصامی به فارسی روان ترجمه شده است. سبک و روش مجله بهار در سال دوم نیز همان است، جز اینکه در این سال به خصوص به ترجمه آثار نویسندگانی از قبیل ژان ژاک روسو و ویکتور هوگو و سایر بزرگان ادب فرانسه بیشتر توجه شده است. (همان، ص ۱۱۴) در این بخش برای نمونه دو قطعه از قطعاتی که اعتصامی آن را به فارسی ترجمه کرده و در مجله بهار آورده است، آشنا می‌شویم: قطعه نخست با نام «نغمه شبانه» اثر «لئوپاردی» شاعر معروف ایتالیایی و قطعه دوم از نویسنده معروف مصری «مصطفی لطفی منفلوطی» که برگرفته از کتاب «النظرات» با نام «رباعیات خیام» است.

۱- نغمه شبانه (لئوپاردی)

ای ماه در آسمان چه می‌کنی؟ ای ماه، تو شامگاهان طلوع نموده به تماشای صحراها می‌روی؛ آنگاه در حجله غروب پنهان می‌شوی. هنوز از عبور متوالی خویش در این راههای ابدی خسته نشده‌ای؟ هنوز آثار ملامت در تو پیدا نیست؟ هنوز به دیدار این وادی‌ها و دره‌ها اشتیاق داری؟... (اعتصامی، ۱۳۲۱، ج ۲، ص ۹۵)

۲- رباعیات خیام (منفلوطی)

مانند مسافری که راه گم کند و از بیابانی خشک و خالی به دشتی سبز و خرم و بوستانی پر از گل و گیاه وارد شود، من نیز همان طور بر رباعیات خیام اطلاع یافتم. گامی چند برنداشته در اینجا گل‌های پرنقش و نگار، متجانس و غیر متجانس جویبارهای روشنتر از ستارگان سپهر مشاهده نمودم. مرغان ترانه ساز که از شاخه ای به شاخه ای پرواز کرده دائماً جمع و پراکنده بودند، گاه خشم و جنگ، گاه الفت و آشتی داشتند، زمانی آنقدر صعود می‌کردند که بال به آسمان می‌سودند.... (اعتصامی، ۱۳۲۱، ج ۲، ص ۲۳)

درباره ترجمه آثار عربی در مجله بهار باید گفت، وی جزو مترجمانی است که قطعات ادبی نویسندگان عربی را در مجلات ایرانی آورده‌اند. می‌توان در این رابطه علاوه بر اعتصامی از احمد صافی نجفی نیز یاد کرد. وی قطعات ادبی عربی را در مجلات و جرایدی نظیر ارمغان، تربیت و تعلیم، شفق سرخ و ستاره ایران آورده است (نک. برهومی، ۱۹۹۳، ص ۲۱)

مجله بهار مورد توجه بسیاری از ادیبان قرار گرفت. از جمله آنها، شاعر نامدار عراقی احمد صافی نجفی است. وی در آن برهه زمانی ساکن تهران بود و با مجله آشنایی داشت. شاید آشنایی وی با این مجله، به دوستی او با عباس خلیلی مدیر مسؤول روزنامه «اقدام» باز گردد. همانگونه که گفته شد، مدیریت مجله بهار مدتی بر عهده عباس خلیلی بود. احمد صافی نجفی قطعه ای با ترجمه اعتصامی به نام قطرات سه گانه (القطرات الثلاث) را در دیوان خود «ألحان اللهب» آورده است. اکنون بخشی از این قطعه ادبی را با تعریب صافی نجفی در اینجا می‌آوریم:

قطرات سه گانه (ترجمه یوسف اعتصامی)

(رب النوع سپیده دم) دخترک من، تو کیستی؟

– من چیزی نیستم. من از چشم دختری افتاده‌ام. نخستین بار تبسمی بودم، مدتی دوستی نام داشتم، اکنون اشک نامیده می‌شوم. دو قطره اولی از شنیدن این سخن خندیدند. اما رب النوع، قطره سومی را به دست گرفت و گفت:
– هان! به خود باز آید و خود ستایی ننماید. این از شما پاکیزه‌تر و گرانبه‌تر است.
(اعتصامی، ۱۳۲۱، ج ۱، ص ۲۴)

القطرات الثلاث (تعریب احمد صافی نجفی)

قَالَ يَا ثَالِثَةَ الْقَطْرِ انْطِقِي
فَأَجَابَتْهُ بِصَوْتٍ قَلِقٍ
أَنَا لَأَشِيَّ سَوَى دَمْعٍ نَقِيٍّ
طَرَفُ عَذْرَاءٍ بِهِ قَدْ هَتَّنَا
فَهُوَ مِنْ مَاءِ الْحِشَا الْمُسْتَقَطْرِ
(صافی نجفی، ۱۹۴۷، ص ۹۶)

۴-۶- فهرست نویسی بر کتاب‌های کتابخانه مجلس

اعتصامی در سالهای آخر به ریاست کتابخانه مجلس رسید. وی در این مدت، یکی از گسترده‌ترین فعالیت‌های خود را انجام داد و آن فهرست کردن کتابهای کتابخانه مجلس بود. وی در این مدت کوتاه با ضعف پیری که داشت در ۳ مجلد ضخیم کتاب‌های کتابخانه را فهرست نمود، دو جلد آن به چاپ رسید و سومی هنگام وفاتش در دست طبع بود. (اعتصامی، ۱۳۲۱، ج ۱، مقدمه: ه) جلد سوم این کتاب هرگز به چاپ نرسید و هم اکنون فقط جلد اول و دوم آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. جلد اول این فهرست که در سال ۱۳۰۵ش به چاپ رسید، شامل کتابهایی است که تا آن زمان در کتابخانه موجود بوده است. اعتصامی در این باره می‌گوید: « هنگام طبع و انشاء نخستین فهرست کتابخانه (اسفند ۱۳۰۵) شماره کتب از ۳۵۰۰ تجاوز نمی‌کرد و ۲۱۶ مجلد آن خطی بود». (اعتصامی، ۱۳۱۱، مقدمه) اما در سال ۱۳۱۱ش جلد دوم آن به چاپ رسید. محتویات کتابخانه مجلس شورای ملی در آن زمان در حدود یازده هزار کتاب و از آن مجموعه، ۷۸۸ مجلد خطی بود. به همین جهت اعتصامی در جلد دوم فقط کتاب‌های خطی را فهرست نموده است. وی در این باره در مقدمه آن اینگونه

آورده است: « این فهرست را که به نسخ خطی کتابخانه اختصاص دارد، در بیان مقاصد و اغراض کتب کوشیده‌ایم، باشد که خواستار کالای علم و ادب را سودمند افتد و دوستدار تتبع و تحقیق را فایدهت بخشد». (اعتصامی، ۱۳۱۱، مقدمه)

اعتصامی در باب کتابخانه مجلس شورای ملی و اهمیت آن سخنان ارزشمندی بیان نموده است. (اعتصامی، ۱۳۲۱، ج ۱، مقدمه: و) برای نمونه از نحوه فهرست نویسی اعتصامی نمونه ای از مجلد دوم را در اینجا می‌آوریم:

«شرح الکافی - ترجمه کتاب السمعیة از کتب الکافی بفارسی. مترجم و شارح خلیل غازلی قزوینی.

آغاز: « الحمد لله الذي جعل لعباده في الأرض معيشة ... »

تاریخ شرح: ۱۰۷۴، خط نستعلیق، ناتمام، صفحه ۲۹ سطر، قطع رحلی، طول ۳۰ سانتی متر، عرض ۱۸، عده اوراق ۲۱۷، (شماره ۱۲۹۵). (اعتصامی، ۱۳۱۱، ج ۲، ص ۱۴)

۷- سبک نوشتاری یوسف اعتصامی

خصوصیت عمده اعتصام الملک در این است که وی دارای مکتبی در نثر فارسی است که در نثر نویسندگان معاصر مؤثر افتاده است. نثر وی اگرچه به پایه نثر محمدعلی فروغی و طالبوف نمی‌رسد، اما برای خود خصوصیتی دارد که قابل توجه است و آن اینکه قابل تقلید است. در نثر او تأثیر نویسندگان و ادیبان ترک از قبیل نامق کمال و توفیق فکرت و ادیبان معاصر مصر و شام و شیوه منشیان قاجاریه کاملاً مشهود است. چنانکه به نظر می‌رسد وی زبان فرانسه را از طریق زبان ترکی یاد گرفته است. (مجتهدی، بی تا: ۵-۳۴) در باب ترجمه متون نیز باید گفت وی بسیار ساده و روان و بدور از هرگونه تکلف می‌نویسد، بطوریکه مرحوم دهخدا درباره ترجمه ویکتور هوگو می‌گوید: «اگر هوگو خود بنفسه این کتاب را به فارسی می‌نوشت، بی شبهه همین الفاظ منتخب و عبارات بدیع را اختیار می‌کرد». (اعتصامی، ۱۳۲۱، ج ۱، مقدمه: ه) حسن انتخاب مواد، یکدستی اسلوب و عذوبت سبک نیز از دیگر محاسن کتابت اعتصامی است. این ویژگی را می‌توان در سبک مجله بهار نیز یافت.

۸- خدمات اعتصامی به زبان و ادبیات عربی

بی شک خدمات یوسف اعتصامی در ادبیات فارسی خلاصه نمی‌شود، وی در ادبیات عربی نیز فعالیت‌های ممتازی انجام داده است.

۸-۱- فلاند الأدب فی شرح أطواق الذهب

رساله‌ای است، در شرح رساله «أطواق الذهب» محمود بن عمر زمخشری. مشتمل بر شرح یکصد مقاله در نصایح، حکم، مواعظ و مکارم اخلاق. این رساله در سال ۱۳۲۱ق در مطبعه تمدن توسط یوسف اعتصامی به چاپ رسیده است. این رساله جزو اولین فعالیت‌های اعتصامی بشمار می‌آید. اعتصامی در سن ۲۵ سالگی (۱۳۱۹ق) نگارشش را پایان داد و دو سال بعد، آن را با طبع سربی به چاپ رسانید. شایان ذکر است که نسخه ای از این رساله هم اکنون در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.

۸-۱-۱- مقدمه شارح

اعتصامی نخست، مقدمه ای نیکو با واژگان آراسته و مسجع چون نویسندگان عصر عباسی نگاشته است. با حمد و ستایش خدا به صورت تلویحی عنوان کتاب خود را با این مضمون بیان نموده است: (الحمد لله الذي أودع بدائع الحكم في فلاند الأدب وطوق أجياد الأدباء بأطواق الذهب). (اعتصامی، ۱۳۲۱ق، ص ۳) بعد از حمد و ستایش پروردگار و خاتم انبیاء و آل ایشان این گونه آغاز می‌کند: (يقول العبد الحقير يوسف الأشتياني إنَّ أحسن شيء ترتاح إليه الخواطر وتجنح إليه الطباع جنوح الطير إلى الأوكار علم الأدب الذي له رياض ممرعة وحياض مترعة ومناهل رطبة و...) — ترجمه: این بنده حقیر یوسف آشتیانی معتقد است که نیکوترین چیزی که افکار و اندیشه به آن مرتاح و طبع آدمی چون اشتیاق پرنده ای که به آشیانه پرمی گشاید به آن مشتاق می‌شود، ادب اندوزی است. ادبی که دارای بوستان مخصب و حوض‌هایی آکنده و آبشخوری زلال است و... سپس با بیان اینکه وی در بوستان ادب و علم مدتهاست که از میوه‌ها و گل‌های آن متمتع گشته و همواره بر همین منوال بوده تا اینکه نسخه ای از رساله «أطواق الذهب» زمخشری را یافته است. البته اعتصامی از چگونگی به دست آوردن آن مطلبی بیان

نکرده است، اما به نظر می‌رسد آن نیز چون دیگر اطلاعات وی از طریق عثمانی به دست او رسیده است.

اعتصامی در بخشی از مقدمه بیان نموده که وی به صورت اتفاقی رساله «اطباق الذهب» شیخ عبدالمؤمن مغربی اصفهانی چاپ بولاق مصر را به دست آورده و آن را هم از حیث دشواری سبک نوشتاری مانند رساله زمخشری می‌داند و از آن با عنوان «خميلة جؤذر» تعبیر کرده است، یعنی بیشه زار یا چراگاه بچه گاوان وحشی که نشان دهنده آشفتگی این رساله است. در ادامه این نکته را ذکر می‌کند که مضمون هر دو کتاب را بررسی کرده و فونوی که در هر دو رساله بکار گرفته شده را دیده است و آنچه که پیش رو است در واقع تلفیق هر دو رساله و شرح‌های دیگر می‌شمارد و در پایان با قطعه شعری نوشته خود را پایان می‌دهد.

۸-۱-۲- خطبه رساله

در این بخش اعتصامی عباراتی به زعم خود سخت و گاه مبهم را معجم‌وار با آوردن مثال‌هایی همراه با شرح مختصری از فحوای سخن، ذکر نموده است. برای نمونه بخشی از خطبه رساله را برای آشنایی با نحوه شرح اعتصامی آورده‌ایم:

«(و كَرَمٌ بَاسِقٌ شُكْرُ الشَّاكِرِ يَنْوُءُ تَحْتَهُ بِجَنَاحِ مَهِيضٍ وَإِنْ حَلَّقَ فَهُوَ لِاحِقٌ بِالْحَضِيضِ)

(باسق) عال (ینوء) يتحرك بجهد ومشقة (مهيض) مكسور (حلق) الطائر ارتفع في طيرانه (حضيض) ...» (اعتصامی، ۱۳۲۱ق، ص ۶)

۸-۱-۳- مقالات

اعتصامی در این بخش نه تنها مقالات را شرح کرده، بلکه در بسیاری از مواقع تفسیر خود را نیز از مقالات بیان نموده است. در این مقالات سعی بر آن است که اقوال گذشتگان و ادیبان قدیم عرب را در کنار آیات قرآن کریم و ادیبان معاصر بیاورد. برای مثال می‌توان به «ابراهیم بک رمزی» صاحب مجله «المرأة فی الإسلام» اشاره نمود. اعتصامی در تمامی این مقالات کوشیده نظرات دیگران را در مورد مباحث اخلاقی و معرفتی که زمخشری در مقالات خود بیان نموده، ذکر نماید. از ویژگی این نقل قول‌ها

می‌توان به خلاصه بودن و همچنین عدم تفسیر های منطقی و فلسفی اشاره کرد تا به راحتی برای خواننده قابل درک و فهم باشد.

اعتصامی در شرح مقالات، بر اشعار و سخنان طیف‌های مختلف اندیشمندان و سخنوران تکیه کرده است. این افراد از طبقات و اصناف مختلف‌اند، از ادیب گرفته تا حاکم و نویسنده و شاعر مانند: ابن قتیبه، مروان بن حکم، اکثم بن صیفی، شعبی، ابوالفتح بستنی، بزرجمهر و نویسندگان غربی نظیر لاپرو پیر. وی خواسته یک نگاه جهانی را نیز در مورد ادب و علم و اخلاق به شرح خود داده باشد. مانند این شرح: (قال لاپروپیر أحد حکماء الأفرنج: عش مع أصدقائك كما تعیش مع قوم سیکونون أعدائك ومع أعدائك كما تعیش مع أناس سیصبحون أصدقائك). (اعتصامی، ۱۳۲۱ق، ص ۳۰) در کنار این نقل قول‌ها، نظرات عبدالمؤمن مغربی صاحب «أطباق الذهب» نیز دیده می‌شود. در واقع می‌توان گفت که شرح اعتصامی هم نظم است وهم نثر و آکنده از مضامین اخلاقی بزرگان اخلاق و ادب.

در مورد ویژگی و سبک نوشتاری اعتصامی باید گفت، مسجوع و بدور از اطناب و تعقید است. وی در مقدمه خود تلاش کرده که چون خطبه زمخشری از عبارات وزین، کوتاه و مسجع استفاده نماید.

۲-۸- المرأة الصابرة یا ثورة الهند (خانم انگلیسی)

اعتصامی این کتاب را در سال ۱۳۱۶ق در تبریز تعریب نموده است. اصل این اثر در واقع یک داستان تاریخی است که محمد حسن اعتمادالسلطنه با نام «خانم انگلیسی» به فارسی ترجمه کرده است و در سال ۱۳۰۴ش در تهران به چاپ رسیده است. ملا روح-الله بادکوبه ای نیز آن را به ترکی ترجمه نموده است. این کتاب در ۱۱۴صفحه در سال ۱۳۱۸ق (۱۹۰۰م) در مصر و در مطبعة «مکتبة الهلال» به چاپ رسیده است. کتاب «المرأة الصابرة» شامل مقدمه مترجم، خلاصه ای از انقلاب هند و تحولات آن، مقدمه نویسنده اولیه و ۳۰ فصل است. در مقدمه کتاب آمده، این اثر ابتدا به فرانسه نقل و سپس از فرانسه به انگلیسی ترجمه شده است.

اعتصامی هدف خود را از تعریب (ترجمه به عربی) کتاب در مقدمه اینگونه بیان نموده است: ("ثورة الهند" در سال ۱۳۰۴ در تهران پایتخت کشور ما به چاپ رسید و مورد اقبال مردم قرار گرفت و علاقمند شدم که آن را به عربی ترجمه کرده و به جامعه ادیبان و دانایانی که زبان فارسی را نمی‌دانند اهدا کنم و به این خاطر آن را به عربی ترجمه کرده‌ام). (اعتصامی، ۱۳۱۸، ص ۵)

موضوع داستان:

این داستان در مورد زنی به نام «مسترس هورتست» است. وی در زمان استعمار انگلستان، مصادف با انقلاب هند به همراه خانواده خود به هند مهاجرت می‌نماید. اما در این میان بر او و خانواده‌اش مشکلات، سختی‌ها و مصیبت‌هایی وارد آمد. در نتیجه همسر، داماد و فرزندان او توسط آشوبگران انقلابی کشته شدند. وی در پایان تنها به انگلیس باز می‌گردد و به روایت این داستان می‌پردازد.

در مورد ترجمه این داستان تاریخی، خود مترجم معتقد است که تلاش نکرده آن را به زیورهای کلام آراسته نماید، لیکن آنچه از سجع‌ها و جناس‌ها گاه در آن دیده می‌شود، از قلم اوست. (اعتصامی، ۱۳۱۸، ص ۵) اسلوب اعتصامی در این مجموعه، مسجع و آهنگین است و دارای کلماتی بدون تعقید است. از جملات کوتاه استفاده کرده تا خواننده به زحمت نیفتد. کلامش سهل و ممتنع است. البته نوعی فارسی زدگی در کلام و کلماتش دیده می‌شود. برای مثال گاه گاهی از واژگان فارسی استفاده کرده است، مانند: (الخانم، الفیلبان، با رودخانه... .) که بعید می‌رسد با توجه به تسلط وی به زبان عربی وی ناخواسته و نا آگاهانه از این واژگان استفاده کرده باشد، شاید خواسته برخی اصطلاحات فارسی را به عرب‌های معاصر معرفی نماید. برای آشنایی با تعریب اعتصامی قسمتی از آن را آورده‌ایم:

«الفصل الرابع عشر (الجوع)»

ولما اطمأنت خواطرنا وعاد إلینا السكون اضطرت فینا نار الجوع و قلنا له إن سلمنا من آفة الثورة والشغب سنحترق بشواظ السغب و یفترسنا الجوع و قد أنشب أظفاره فی أعصابنا و عروقنا....» (اعتصامی، ۱۳۱۸، ص ۵۳)

۸-۳- تربیت نسوان (تحریر المرأة)

تربیت نسوان از دیگر آثار یوسف اعتصامی است و از عربی به فارسی ترجمه شده است. البته از نظر اهمیت و ماده آن، می‌توان گفت از مفیدترین آثار یوسف اعتصامی به شمار می‌آید. این اثر ترجمه بخش‌هایی از کتاب «تحریر المرأة» قاسم امین مصری است، اعتصامی این کتاب را در سال ۱۳۱۸ق در مطبعه معارف تبریز به چاپ رسانید. البته باید گفت این کتاب ترجمه کل اثر قاسم امین نیست، بلکه بخشی و فصولی از این کتاب را ترجمه کرده است. لازم به یادآوری است که در سال ۱۳۱۶ مرحوم سید احمد مهذب شیرازی نام کتاب را با عنوان «زن و آزادی» ترجمه نموده است. بخش‌هایی از همین کتاب اعتصامی بعداً در تهران و در مجله بهار آمده است. این کتاب شامل ۳ بخش است، مقدمه مترجم، مقدمه نویسنده و چندین فصل. قاسم امین با تألیف کتاب «تحریر المرأة» و «المرأة الجديدة» تحول بزرگی در جهان عرب بوجود می‌آورد. (میلاد، ۱۳۸۱، ص ۱۶؛ عماره، ۱۹۸۹، ص ۵۴) او در ابتدا برای توجیه آزادی زن به قرآن و شریعت وحدیث توسل می‌جست، ولی بعدها چون مورد هجوم سنت‌گرایان واقع شد، تا حدودی از طرح مسائل دینی و پیوند حقوق زن با آنها فاصله گرفت. (عنایت، ۱۳۶۲، ص ۱۵۲) در هر حال تألیف این اثر باعث شد تا در سرزمین مصر و به تبع آن در دیگر کشورهای عربی طوفان و غوغایی پر دامنه برپا گردد (حورانی، ۱۹۹۷، ص ۱۷؛ جدعان، ۱۹۸۸، ص ۱۲۶) و فی الواقع می‌توان گفت که قاسم امین اولین کسی است که به طور جدی در جهان عرب به حقوق زنان توجه خاصی نشان داده است و بر همه مدعیان آن دوره پیشی گرفته است. (امین مصری، ۱۳۱۶، ص ۱۰)

اعتصامی هدف خود را از ترجمه این کتاب چنین شرح داده است: «اعظم علمای اروپا در باب تعلیم و تعلم نسوان و اهمیت تربیت آنان کتابها پرداخته‌اند که هر یک از آن مؤلفات سترگ گنجینه گهر و کان خرد و بینش است. گروهی از نامداران ادبای مصر نیز در این خصوص داد سخن داده و آثار جلیله درگیتی به یادگار نهاده‌اند، مانند [تحریر المرأة]، [فلسفه الزواج]، [المرأة في الشرق]، [المرأة في القرن العشرين]، [المرأة في الأسرة]، و جز اینها که نام بردیم که در همه این کتب معتبره از حقوق نسوان و

و خوب تعلیم و تربیت آنان سخن کرده‌اند. چون در لغت پارسی کتابی که از محسنات و معایب اصلیۀ این مطلب مهم پرده بردارد نگاشته نشده بود، این بنده ناچیز فصلی چند از کتاب «تخویرالمرأة» ترجمه کردم و آن را (تربیت نسوان) نامیدم و بموقع انتشار گذاشتم...» (اعتصامی، ۱۳۱۸، مقدمه) در این کتاب مباحثی پیرامون زن و ویژگی و خصوصیات ذاتی این جنس، همچنین جایگاه زن در جامعه اسلامی و غربی، مشکلات و مصائب این جنس در جامعه و نقش آنها در تربیت و آینده جامعه مطرح شده است. در این کتاب سعی شده، ابعاد اجتماعی زن و دلیل توجه و اهمیت به آن و لزوم تربیت زن، مطالبی گنجانده شود. درباره لزوم تعلیم و تربیت زنان در بخشی از این کتاب آمده است: «نسوان محتاج به تعلیمند، تا زادگان خود را تربیت دهند. و به وثیقه دین و پرهیزکاری متمسک شوند. و از مفسد بی بصیرتی خود را بکناری کشند و بصرفه و اقتصاد عمل کنند و انسانی صاحب اراده باشند، تا آنانکه مطلقه و یائسه‌اند و یا از نعمت وجود اقربا و خویشاوندی که کفالت امور ایشان کند محروم باشند، بتوانند معیشت خود را اداره کنند و از سفالت برهند. اما همینکه جهل پرده ظلمانی خویش فرو هشت و خواطرشان با فروغ علم روشن نشد؛ بضرورت بوسایلی که بر بند قانون شرع شریف است چنگ زنند و از پی روزی بدریوزه روند چه کارها که نکنند و چه عیبها که بر خود هموار ن سازند.» (اعتصامی، ۱۳۱۸، ص ۲۱-۲۲)

در باب اهمیت این کتاب بیشتر مطالبی طرح شد. مرحوم دهخدا درباره شجاعت اعتصامی در آن روزگار برای چاپ این اثر و اهمیت آن می‌گوید: «تألیف و طبع کتاب «تربیت نسوان» در امر حقوق و آزادی زنان در بحبوحه تعصب عام خاصه در تبریز آن روزی نمونه یکی از نوادر شجاعت‌های ادبی است و همسنگ صلاهی (قولوا لا إله إلا الله فتلحوا) در جبل حراء و ابرام در حرکت کره ارض در مجمع انکیزیتورهای نصاری (مقصود، مجمع تفتیش عقاید کلیسای مسیحی است) و به شهادت تاریخ یوسف اعتصامی در ایران اولین کسی است که لوای این حریت افراشته و بذر این شجر بارور کاشته است.» (اعتصامی، ۱۳۲۱، ج ۱، مقدمه:د) درباره لزوم چاپ چنین اثری برای جامعه آن روزی مرحوم عبدالرحیم طالبوف در نامه مورخه ۲۶ شعبان ۱۳۱۸ق به اعتصامی

می‌نویسد: «فدایت شوم، دو نسخه تربیت نسوان با مکتوب محبوب جنابعالی رسید، کتابچه را از اول تا آخر خواندم. آفرین بر آن قلم شیوا رقم. صد مرحبا بر آن سلیقه معنوی که سنگ گوشه بنای عمارت بزرگ تمدن لابلدّمینه وطن را گذاشتی که در آینده در مجالسی که نسوان ایران دعوی تسویه حقوق خود را با نطقهای فصیح و کلمات جامع اثبات کنند از مترجم تربیت نسوان تذکره و وصافی خواهند نمود». (صفوت، ۱۳۷۶، ص ۱۱۳) درباره نوع ترجمه اعتصامی، باید گفت که ترجمه آن مفهومی است و پایبند به متن اصلی نیست. قلم وی نیز همان قلم منشیان قاجار است. اسلوبش محکم و رسا و بلیغ و در عین حال سهل ممتنع است. در برخی قسمت‌ها نیز اعتصامی خود شرح یا مثالی به آن افزوده است. بی تردید، ترجمه «تحریر المرأة» توسط اعتصامی به همان اندازه که تألیف آن در مصر توسط قاسم امین موجب بیداری و حرکت برای دفاع از حقوق زنان گردید، در ایران کم و بیش تا همین اندازه موجب تحول و تغییر نگرش طبقه روشنفکر ایران آن روز نسبت به زن و حقوق زن گردید. بنابراین اگر بگوییم، یوسف اعتصامی با ترجمه این کتاب، نقش مهمی در دفاع از حقوق زن معاصر ایرانی بازی کرده، به خطا نرفته‌ایم.

نتیجه

حاصل سخن آن که اعتصامی یکی از برجستگان ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی بوده و تمامی عمر خود را در راه اعتلای ادب و فرهنگ ایرانی وقف نموده است. خدمات وی تماماً در خدمت زبان و ادبیات فارسی و رشد آگاهی ایرانیان در قرن گذشته است. وی حلقه اتصال میان ادبیات فارسی و ادبیات جهان به ویژه غرب و عرب بوده است. اعتصامی جزو اولین کسانی است که ادبیات معاصر عرب را به ایرانیان شناسانده است. سبک و نوع نگارشش در نوع خود جدید و نوآورانه است. وی را می‌توان در باب ترجمه از صاحبان سبک خواند که بعدها بسیاری طریقت او را دنبال نمودند. کلامش سهل و آسان و اسلوبش محکم استوار است و دیگر آنکه او پدر یکی از بزرگترین شاعران زن ایرانی در طول تاریخ شعر و ادب ایران بوده است.

منابع

- آرین پور، یحیی، از صبا تا نیما، ج ۲، فرانکلین، تهران، ۱۳۵۵.
- استرآبادی، بی بی خانم، معایب الرجال، تهران، ۱۳۱۲.
- اعتصامی، پروین، دیوان پروین اعتصامی، چاپ هشتم، ابوالفتح اعتصامی، تهران، ۱۳۶۳.
- اعتصامی، یوسف، تربیت نسوان، طبع اول، معارف، تبریز، ۱۳۱۸ق.
- اعتصامی، یوسف، المرأة الصابرة، ط ۱، مكتبة الهلال، القاهرة، ۱۹۰۰م.
- اعتصامی، یوسف، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۲، چاپ اول، مطبوعه مجلس، تهران، ۱۳۱۱.
- اعتصامی، یوسف، قلائد الأدب فی شرح أطواق الذهب، ط ۱، تمدن، القاهرة، ۱۳۲۱ق.
- اعتصامی، یوسف، مجله بهار، ج ۱، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۱.
- امین مصری، قاسم، تحریر المرأة، مترجم: سید احمد مهذب شیرازی، چاپخانه مرکزی، تهران، ۱۳۱۶.
- براون، ادوارد، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، مترجم: رضا صالح زاده، چاپ اول، کانون معرفت، تهران، ۱۳۴۱.
- برهومی، خلیل، أحمد الصافي النجفي، ط ۱، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۳.
- جدعان، فهیمی، أسس التقدم عند مفکري الإسلام في العالم العربي الحديث، ط ۳، دارالشروق، عمان، ۱۹۸۸.
- حورانی، آلبرت، الفكر العربي في العصر الحديث، مترجم: کریم هذقول، دار نوفل، بیروت، ۱۹۷۷.
- رستگار فسائی، منصور، انواع نثر فارسی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۰.
- سرداری نیا، صمد، مشاهیر آذربایجان، چاپ اول، انتشارات شایسته، تهران، ۱۳۷۹.
- صادق پور، محمد، فهرست کتابخانه ملی تبریز، تبریز، ۱۳۵۲.
- صافی نجفی، أحمد، ألحان اللهب، ط ۱، دار الیقظة العربیة، دمشق، ۱۹۴۷.
- صدر هاشمی، محمد، تاریخ جرائد و مجلات ایران، ج ۴، چاپ دوم، کمال، اصفهان، ۱۳۶۴.
- صفوت، محمد علی، داستان و دوستان، سپهر، تهران، ۱۳۷۶.
- عقیقی بخشایشی، مفاخر آذربایجان، ج ۳، چاپ اول، نشر آذربایجان، تبریز، ۱۳۷۵.
- عمار، محمد، الأعمال الكاملة، دارالشروق، القاهرة، ۱۹۸۹.
- عنایت، حمید، اندیشه های سیاسی در اسلام معاصر، نشر خوارزمی، تهران، ۱۳۶۲.
- مجتهدی، مهدی، رجال آذربایجان در عصر مشروطیت، چاپ اول، انتشارات زرین، تهران، بی تا.

- محیط طباطبایی، محمد، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، چاپ اول، بعثت، تهران، ۱۳۶۶.
- المنفلوطی، مصطفی لطفی، العبرات، دار الثقافة، بیروت، ۱۹۵۶.
- میلا، زکی، «اندیشه های معاصر عرب و نو اندیشی در مسائل زنان»، مترجم: عبدالله امینی، مجله پیام زن، شماره ۲۲، تهران، ۱۳۸۱.
- یاحقی، محمدجعفر، چون سبوی تشنه، چاپ چهارم، نشر جامی، تهران، ۱۳۷۶.

Archive of SID